

سامال عرفانی

Erfani.samal@gmail.com

انسان‌شناسی و توسعه

بخش نهایی

- اسکوبار:

شاید بتوان گفت که اسکوبار، امروز مهمترین نظریه پرداز انسان‌شناسی توسعه است، لذا در این جا با تفصیل بیشتری نسبت به دیگر نظریه پردازان به بحث درباره او می پردازیم. اسکوبار، انسان-شناس کلمبیایی و استاد دانشگاه ماساچوست، به تاسی از فوکو، طرح رهایی جهانی عقل را با جنبه تاریک و منفی سلطه غرب مقایسه کرد: دانش عقلانی و مستدل با استفاده از زبان آزادی، نظام‌های جدید قدرت و کنترل را در جهان جدید بوجود می آورد.

اسکوبار (۱۹۹۵) درباره توسعه بیان می دارد که توسعه فرایندی است که بطور تاریخی ایجاد شده و در دوران بعد از جنگ جهانی دوم است که شاهد پیدایش مفهوم توسعه نیافتگی هستیم؛ مفهومی که ناظر است بر کشورهای جنوب خصوصاً آفریقا، آسیا، و آمریکای لاتین. اسکوبار می گوید که نگاه توسعه نیافتگی که با عقب ماندگی و فقر همبسته بود، از ایالات متحده آمریکا و اروپای

غربی ظهور پیدا کرد و مشکلات کشورهای توسعه نیافته را مشکلات درونی خود این کشورها تلقی می کرد (وان ویلیگان، ۲۰۰۲).

اسکوبار که امروزه یکی از مراجع مهم این حوزه محسوب می شود «مطالعات انتقادی در زمینه ی جهانی سازی و توسعه انجام داده است. در میان این سری از مطالعات، کتاب رویارویی با توسعه: ساختن و ویران کردن جهان سوم^۱ در سال ۱۹۹۵ بسیار معروف می باشد. این مطالعات به یک سری از نگره ها، از جمله: پساتوسعه، مطالعات انتقادی توسعه و "اولویت های حامی بازسازی"^۲، شکل میبخشند. اسکوبار در قالب این مطالعات تلاش دارد تا رابطه ی نوینی میان جهانی سازی، توسعه و مدرنیته را بویژه با استفاده از چشم اندازی مبتنی بر سیاست تفاوت^۳ مفهوم پردازی نماید» (شهرکی، ۱۳۸۷).

امادر رابطه با انسان شناسی به طور خاص اسکوبار در اوایل دهه ۱۹۹۰ نقدی بر انسان شناسان توسعه ای مطرح کرد که بیشتر متوجه انسان شناسانی بود که به نفع نهادهای توسعه کار می کردند، اسکوبار انسان شناسان را ترغیب به کشف این مسئله می کند که چگونه نهادهای توسعه زمینه های تفکر و عمل انسان شناسان و نیز مشتریان جهان سومی آن ها را بوجود آوردند و چگونه توسعه، بدون توجه به مشارکت یا عدم مشارکت انسان شناسان، با نوعی برتری اجتماعی و شناختی و استعمار گونه با جهان سوم روبه رو می شود. بنابراین نگاه عینی شده، نهادهای توسعه باعث خلق انواع مقوله ها، بر

¹ Encountering Development: Making and Unmaking the Third world

² Reconstructivist agendas

³ Politics of deference

چسب ها و مشتریانی شد که دستگاه های قدرت، کنترل اجتماعی و نیز ابزارهای تغییر در شرایط زندگی افراد را تشکیل می دادند... بنابر همین انتقادات حامیان "ما بعد توسعه" یا آلترناتیوهای توسعه، تصورات مربوط به "بومی" را مورد ستایش قرار می دهند. برخی از اندیشمندان با وارونه سازی پیش فرض های تئوری نوسازی، که اجتماعات "سنتی" را به عنوان موانعی بر سر راه تغییر در نظر می گرفت، این اجتماعات را به عنوان منبعی ارزشمند از دانش بومی یا محلی تلقی می کنند، آن ها به "بازسازی خلاق" زندگی اقتصادی و اجتماعی در حاشیه ها، به بریدن از منطق بازار و خلق "اشتراکات جدید" و به باز تعریف نیازها، امیدی بسیار دارند. رویکردهای "ما بعد توسعه" به جای این که دولت ها را به عنوان ابزارهای استقرار دموکراسی و دسترسی مطلوب به بازارها در نظر بگیرند، گرایش به این دارند که آن ها را به عنوان عاملین نوسازی مردود تلقی نمایند. این رویکردها بر این عقیده اند که، زمانی مداخله دولت مفید خواهد بود که مردم "بومی" دولتی را که برای آن ها کار می کند به دولتی که عقب بنشیند، ترجیح دهند.

اسکوبار توسعه را یکی از زبان های قدرت و کنترل در دنیای مدرن می دانست. او معتقد بود که هژمونی گفتمان توسعه آنقدر جهانی شده است که حتی مخالفان توسعه نیز مجبور شده اند که انتقادهای خود را به زبان توسعه و با استفاده از واژگان یا دال های آن بیان کنند، مانند توسعه دیگر، توسعه مشارکتی، توسعه سوسیالیستی، توسعه پایدار و...

اما رویکرد پساساختاری مورد علاقه اسکوبار ملهم از فوکو و ادوارد سعید بود. موضوع محوری سلطه را از تبیینی مارکسی به عاریت می گیرد، ولی آن را در دامنه نقد اجتماعی به حوزه گفتمان، حقیقت و دانش بسط می دهد. در این رویکرد او، در کنار سازمان های بزرگ توسعه مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و... نهادهای دانشگاهی و علمی همچون هاروارد و کمبریج نیز مورد توجه هستند که باز تولید ایده ها، گزارشات و گفتمان های برتر اعمال قدرت می کنند. تولید ایده ها، موجب آن شده که مردم به واسطه طبقه بندی های غربی بیاندیشند و عمل کنند و جهان را نه آنگونه که هست، بلکه از نگاه توسعه غربی بنگرند و این یعنی آنکه واقعیت به لحاظ اجتماعی ساخته می شود.

اسکوبار می گوید که گفتمان توسعه با سه استراتژی در جهان پیشرفت کرد:

۱- بازنمایی مشکلات جهان سوم به عنوان ناهنجاری هایی که باید با مداخلات

غرب حل و فصل و بهنجار شود که منجر به مداخله قدرت غرب شد.

۲- حرفه ای شدن توسعه باعث شد کارشناسان با نظام حقیقت و هنجارهای غرب،

مشکلات خود را بررسی و دسته بندی کنند که منجر به شکل گیری حوزه ی کنترل دانش است.

۳- نهادینه کردن توسعه منجر به شکل گیری شبکه قدرت/دانش شد که مردم را

به رفتارها و اصول عقلانی پایبند می کرد.

بنابراین توسعه به فضایی برای اندیشه/عمل تبدیل شد و جهان سوم را در نظم بازنمایی خود به عنوان موجودیتی مفلوک و کم توسعه بر ساخت. به عقیده‌ی اسکوبار، تمامی مدل‌های جهان شمول حتی مدل‌های انتقادی مانند مدل‌های نئومارکسیستی و مارکسیستی منکر توانایی مردم در ایجاد مدل رفتاری خاص خود بودند. ولی وی طرفدار استراتژی توسعه دهقانان مستقل بود. وی دهقانان را نه بر اساس کمبودها، بلکه بر اساس امکانات و توانایی‌هایشان در نظر می‌گرفت. اسکوبار همانند پژوهشگران تحقیق مشارکتی معتقد است که دانش مفید باید از خودشناسایی و معرفت بومی مردم محلی آغاز کند.

انسان‌شناسان منتقد توسعه مانند اسکوبار، معتقد بودند که می‌توان از طریق روش قوم-نگاری‌های مقاومت^۴ یا قوم‌نگاری‌های منطق و اعمال گروه‌های فرودست، نظام بازنمایی سلطه گر حاکم را برانداخت و راهی به رهایی گشود. بنابراین در رویکرد بدیل اسکوبار شاهد آن هستیم که: رویکرد اقتصاد سیاسی انتقادی (نظریه وابستگی) جای خود را به روش قوم‌نگاری‌های توسعه^۵ و نظریه فرهنگ‌های مختلط^۶ می‌دهد. که هدف آن تقویت مادی و نشانه‌شناختی نظام‌های محلی بود تا بتوانند خود را از حالت فرودستی در روابط جهانی خلاص سازند. عاملان اصلی جنبش‌های محلی بودند، اما اسکوبار برای نظریه‌پردازان اجتماعی انتقادی نیز محلی قائل بود.

⁴ Ethnography of resistance

⁵ Ethnographies of Development

⁶ Hybrid Cultures

پساتوسعه گرایی در یک کلام از منظر اسکوبار، جنبشی متفکرانه است که در ارتباط با سلطه آمیز بودن علوم رایج کلان‌نگر حتی رویکرد ساختاری و مارکسیستی، موضع مشترکی داشتند. علاقه مشترکی به استقلال، فرهنگ و دانش محلی داشتند. طرفداران جنبش‌های محلی و پلورالیستی بودند. متفکران پساتوسعه گرایی از توسعه‌های بدیل^۷ دست کشیده و در تلاش بودند که به منظور دور ریختن توسعه، بدیل‌هایی برای توسعه^۸ بیابند. (پیت و ویک، ۱۳۸۴).

کوپر و پاکارد اظهار می‌کنند که یک آینده خیالی و یک گذشته انکار شده، به جای توضیح روشن از حال، نقطه شروع مفاهیم توسعه است. مباحث مطرح در این زیرشاخه‌های انسان‌شناسی اشتراکات بسیار فزاینده با مباحث توسعه، خصوصاً مابعد توسعه گرایی و نقدهای مطالعات توسعه دارند.

– نتیجه‌گیری:

اما انسان‌شناسی انتقادی توسعه علاوه بر ارائه بصیرت‌های نظری چه تاثیر عملی می‌تواند بر جای بگذارد؟ دلالت‌های عملی این نحله کدام‌ها هستند و چه باید کرد؟ واقعیت آن است که اینجا مانند هر عرصه‌ای دیگر حقیقت جایی در میانه‌ها نهفته است. اگر تقلیل انسان‌شناسان به گروهی دیگر از کارشناسان و کارگذاران توسعه نادرست است، توجیهی منطقی برای نفی مطلق توسعه و پا پس

⁷ Alternative development

⁸ Alternatives for development

کشیدن آنها نیز در دست نیست. راه حل در توسل آشتی‌ناپذیر انسان‌شناسی برگ برنده و سلاح برنده آن یعنی مشارکتی کردن رادیکال هرگونه مداخله توسعه‌ای است. از این رهگذر می‌توان برای دخالت موثر نظام‌های مختلف دانش بومی زمینه‌سازی کرد و به نفع مردم تعادلی معنادار با اصحاب و کارگزاران توسعه ایجاد کرد. در واقع انسان‌شناسان می‌توانند به عنوان میانجی در خدمت تسهیل فرایند افقی شدن روابط قدرت عمل کنند. فرایندی که به واسطه آن توسعه از بالا به پایین جای خود را به یک نظام مشارکتی-بومی از پایین به بالا دهد. در واقع «انسان‌شناسان می‌توانند با نفوذ در طرح-های توسعه، نقش بسیار مهمی در اصلاح نظام توسعه بازی کنند. یکی از کارهایی که آنها می‌توانند در این نقش انجام دهند کنترل دایمی توسعه گران است. انسان‌شناسان، شک‌گرایان ماهری هستند که دائما به توسعه گران یادآور می‌شوند که مسائل معمولا از آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد، پیچیده‌ترند. آنها می‌توانند جریان و فرایند توسعه را دقیقا تحت نظر بگیرند و دائما تعییرات ناشی از آن را مورد بررسی قرار دهند. انسان‌شناسی توانسته است با روش‌های مطالعه سنتی خود، که بیشتر مبتنی بر کار میدانی مشارکت‌آمیز است، اطلاعات بسیار مهمی از مردم کسب کند که برای پیشبرد صحیح برنامه توسعه بسیار مهم‌اند» (گاردنر و لیوایس، ۱۳۸۶: ۲۸).

از سوی دیگر تحول و اصلاح وضع موجود می‌طلبد که انسان‌شناسان از اقتدار علمی و توان آکادمیک خود استفاده کنند. بدیهی است که توسعه گران در برابر هرگونه حرکت معطوف به تعدیل یا کاهش اقتدار مطلق خود واکنش نشان دهند و تجارب و عملگرایی خود را سند حقانیت خود و

توجه کننده انحصارشان در تصمیم‌گیری بر سر اولویت‌های مردم قرار دهند. بنابراین ممکن است »
به بهانه این که آن‌ها با مسائل اجرایی سروکار بیشتری دارند، ادعا کنند که می‌دانند مهم‌ترین مسئله
جاری کدام است. آن‌ها به راحتی مسائل را سیاسی کرده یا به نفع منافع خودشان، آن‌ها را نهادی می
کنند. در این جاست که نقش انسان‌شناسان در هدایت تحقیقات و شکستن گفتمان غالب در توسعه
آشکار می‌شود. در واقع انسان‌شناسان مشخص می‌کنند که اولویت، یک چیز از پیش تعیین شده
نیست» (پارسی، ۱۳۸۸ ص ۱۸).

در واقع به نظر می‌رسد که انسان‌شناسان می‌توانند آثاری فراتر از آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد بر
جای گذارند

منابع:

۱. آدلمن، مارک، هاوگروود، آنجلیکو (۱۳۸۶) انسان‌شناسی توسعه و جهانی شدن: از اقتصاد
کلاسیک تا نئولیبرالیسم معاصر، بخش دوم: نمونه‌های عینی، ترجمه و تلخیص احسان شاقاسمی،
مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.

۲- پارسی، بیتا (۱۳۸۸) نقد اسکوبار بر توسعه، روزنامه رسالت، شماره ۶۸۹۴ به تاریخ

۸۸/۱۰/۱۹، صفحه ۱۸ (اندیشه)

۳- پیت. ریچارد، ویک. الین هارت (۱۳۸۴) نظریه‌های توسعه، مترجمان: مصطفی

ازکیا، رضا صفری شالی، اسماعیل رحمانپور، نشر لویه.

۴- سیدمن، استیون (۱۳۸۸) کشاکش آرا در جامعه شناسی، ترجمه هادی جلیلی، نشر

نی.

۵- شهرکی، آرمان (۱۳۸۷) متفکران و نظریه‌پردازان انسان‌شناسی توسعه (۱) آرتورو

اسکوبار، قابل دسترسی در:

www.anthropology.ir/node/1388

۶- شهرکی، آرمان (۱۳۸۷) اندیشمندان و متفکرین انسان‌شناسی توسعه: گوستاوو

استاوا. قابل دسترسی در:

<http://anthropology.ir/node/1426>

۷- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، نشر نی.

۸- کتاک، کنراد فیلیپ (۱۳۸۶) انسان‌شناسی، کشف تفاوت‌های انسانی، ترجمه

محسن ثلاثی، انتشارات علمی.

۹- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.

- 10- Escobar Arturo (2005) The Anthropology of Development and Globalization, Edited by Edelman. Marc and Haugerud. Angelique, Pubished by Blackwell.
- 11- Wilk,Richard (2002) Anthropology and development, available at: <http://www.indiana.edu/~wanthro/490.htm>
- 12- Lewis,Daviv (2005) Anthropology and Development: the Uneasy Relationship, available at : <http://www.e-elgar.com>
- 13- Grillo, R. (2002) Anthropologists and Development . In The Companion to development studies (eds) V. Desai and R. B. Potter. London: Edward Arnold.
- 14- Ferguson, J (1996) Development. In Encyclopedia of Social and Cultural Anthropology (eds) A. Barnard and J. Spencer. London: Routledge.
- 15- Rao. Vijayendra and Walton Michael (editors), (2004) Culture and development, Stanford University Press.
- 16- Rao. Vijayendra and Walton Michael (editors), (2004) Culture and Public Action, Stanford University Press.
- 17- Wikipedya.en. " Development anthropology". Available at: http://www.cultureandpublicaction.org/conference/a_and_d_anthropologyanddevelopment.htm
- 18- Van Willigan, John (2002) Applied Anthropol: An Introduction, Third Edition, Greenwood Publishing Group.
- 19- Greenwood, .levin, (1998) Establishing a conceptual Model of Community- Based research, available at: <http://comm-org.wisc.edu/papers.htm>

منابع برای مطالعه:

- Arensberg, Conrad. 1964. Introducing social change: A manual for Americans overseas. Chicago, IL: Aldine.
- Geertz, Clifford. 1963. Agricultural involution: The process of ecological change in Indonesia. Berkeley: University of California Press.
- Goodenough, Ward. 1963. cooperation and change: An anthropological approach to community Development. New York: Sage.
- Spicer, Edward H. 1952. Human problems in technological change: A casebook. New York: Sage.
- Horowitz, Irving. Ed. 1967. The rise and fall of project Camelot: Studies in the relationship between social science and practical politics. Cambridge, MA: MIT Press.
- wakin, Eric. 1992. Anthropology goes to war: Professional ethics and counterinsurgency in Thailand. Madison: University of Washington, Center for Southeast Asian Studies.
- Hickey, Gerald C. 1982. Free in forest: Ethnohistory of the Vietnamese Central Highlands, 1954- 1976. New Haven, CT: Yale University Press.
- Barlett, Peggy F. 1980. Agricultural decision making: Anthropological contribution to rural development. New York: Academic Press.
- belshaw, Cyril S. 1976. The sorcerer's apprentice: An anthropology of public policy. New York: Pergamon Press.

- Cochrane, Glynn. 1971. Development anthropology. New York: Oxford University Press.
- derman, Wiliam and Scott Whiteford. Eds. 1985. Social impact analysis and development planning in the Third World. Boulder, Co: Westview.
- Gardner, Katy, and David Lewis. 1996. Anthropology, development and postmodern challenge. London, Chicago IL: Pluto Press.
- Horowitz, micheal. 1987. " Anthropology and the new development agenda" Development Anthropology Network 6(1): 1-4.
- Horowitz, Michael. 1990. "Donors and deserts: The political ecology of destructive development in the Sahel." In African Food System in Crisis, part 2, Contending with Change. R. Huss-Ashmore and S.H. Katz. Eds. New York: Gordon and Beach.
- Nolan, Riall W. 2002. Development anthropology: Encounters in the real world. Boulder, CO.: Westview Press.
- Philips, S. 1994. "Anthropology of development: How current theory can inform social development practice " Social Development Newsletter 2.
- Chambers, Erve. 1989. Applied anthropology: A practical guide. Mt. Prospect, III.: waveland Press.
- Ervin, A.M. 2000. Applied anthropology: Tools and perspectives for contemporary practice. Boston, MA: Allyn and Bacon.
- Van Willigan, John (2002) Applied Anthropology: An Introduction, Greenwood Publication Group.

